

پژوهشی

واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و رویگردانی از ازدواج

غلامرضا تاج‌بخش^۱ و حانیه محمدی^۲

چکیده:

هدف: علیرغم اینکه ازدواج یکی از مهمترین و حساس‌ترین مراحل زندگی انسان به شمار می‌رود، اما بنا به دلائل گوناگون امروزه برخی جوانان از تشکیل خانواده اجتناب نموده و زندگی مجردی را در پیش می‌گیرند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر گرایش به زندگی مجردی جوانان ۲۷-۳۵ ساله شهرستان خرم‌آباد می‌باشد.

روش تحقیق: روش پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جوانان مجرد شهرستان خرم‌آباد در محدوده سنی ۲۷-۳۵ ساله در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ است. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده بود. حجم نمونه این پژوهش ۳۸۰ نفر می‌باشند که از طریق فرمول کوکران به دست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، نشان داد مولفه‌های میزان اعتقادات دینی، سطح انتظارات، لذت بردن از مجردی، وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی و شکاف نسلی در گرایش به زندگی مجردی جوانان تاثیر دارند. نتیجه‌گیری: گرایش به زندگی مجردی به صورت یک معضل و آسیب اجتماعی روند فزاینده در جامعه دارد که ضرورت دارد برنامه‌ریزان و مسئولان به این مهم توجه نمایند.

واژگان کلیدی: زندگی مجردی، جوانان، ازدواج، خرم‌آباد و شکاف نسلی.

مقدمه و بیان مسئله

تشکیل خانواده جوابگوی احتیاجات غریزی انسان، نیازهای اقتصادی و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی وی را نیز تامین می‌کند و به عنوان یک معیار و قاعده پذیرفته شده در همه جوامع محسوب می‌شود (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۷۶). خانواده اولین ارگان مشارکتی جامعه به حساب می‌آید و کشور (جامعه) محصول تعداد زیادی از این خانواده‌ها (ارگان‌ها) به حساب می‌آید که محیط نگرشی و اقتصادی کشور موارد طرز تفکر آن محسوب می‌شود. خانواده با ازدواج به وجود می‌آید، بدین سبب ازدواج عرصه‌ای مهم از زندگی است، که در میان سایر مراحل زندگی از اهمیتی ویژه برخوردار است (احمدی موحد، ۱۳۸۶: ۳). جامعه‌شناسان ازدواج را یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان و سبب آرامش و امنیت در جوامع می‌دانستند (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴: ۲۱-۱). بعضی‌ها بر این باورند که ازدواج و تأهل باعث ایجاد محدودیت و موانع بسیار در راه رسیدن به تمایلات افراد می‌گردد. بنابراین، تمایل دارند به صورت تنها و آزادانه زندگی نمایند. این تمایل فقط در بین پسران وجود ندارد، بلکه برخی از دختران هم ازدواج را محدودیت و مانع بر سر راه رسیدن به خواسته‌های خود و همچنین آن را موجب سلب آزادی‌های فردی می‌دانند. شاید افرادی که ازدواج را سلب‌کننده استقلال شخصی به حساب می‌آورند، اصل ازدواج را به درستی متوجه نشده‌اند و طرفدار آزادی حاصل از آن به معنای غربی آن هستند، و همچنین در میان آنان افرادی هستند که با وجود گرایش مذهبی قوی، متمایل به ادامه نوعی خاص از زندگی هستند که در آن قید و بندهای زندگی مشترک وجود ندارد و آسایش، آرامش، خودسازی و سیروسلوک معنوی خود را در داشتن این شیوه از زندگی می‌دانند. برخی نیز داشتن فرزند را مانع رشد اجتماعی، کار و تحصیل و زندگی مطلوب خویش می‌دانند و زیر بار ازدواج نمی‌روند. عدم توجه خانواده‌ها، درک نشدن نیازها و خواسته‌های جوانان در خانه و نداشتن حریم خصوصی مختص جوانان، باعث سرخوردگی جوان شده و او را مشتاق به ترک خانه و شروع زندگی مجردی می‌کند (قرایی مقدم، ۱۳۹۳: ۴۴).

بحران‌های خزنده‌ای همچون افول نرخ رشد جمعیت، بالا رفتن سن ازدواج، بحران کاهش نیروی انسانی، سالمندی و... در حال گسترش است که توجه متخصصان امر را به خود جلب نموده، تا با اصلاح الگوی جمعیت از بحران و رکود جمعیتی که کشورهای غربی دچار آن هستند، بر حذر باشیم. با عنایت به لزوم ارتقای شاخص‌های مهم جمعیتی، مقام معظم

رهبری با دیدگاهی کلان، جامع و آینده‌نگرانه، اصول ۱۴ گانه‌ای جهت هدایت سیاست‌های کلی جمعیت مشخص نمودند و نقش گسترده‌ای برای کلیه نهادها و سازمان‌های متولی و تاثیرگذار مشخص نمودند. مطابق بر بند ۲ سیاست‌های کلی جمعیت رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل کارآمد، یکی از وظایف مهم دستگاهها و ارگانهای اجرایی کشور است. (تاج بخش، ۱۳۹۹، ۴۵).

در دهه اخیر جامعه در حال گذار ایران، از نظام سنتی به نظام مدرن، شاهد تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد در میان اقشار گوناگون شد. این تغییرات فرهنگی و اجتماعی به نوبه خود موجب ایجاد دگرگونی در هنجارها و ارزشها، انتظارات و مطالبات مردم بویژه جوانان گردید. در سالهای اخیر دغدغه تغییر در سبک زندگی ایرانی، به ویژه در میان نسل جوان به سبک زندگی غیر اسلامی و غربی مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران واقع شده است. یکی از این تغییرات و چالش‌های اصلی و اساسی در جامعه ایرانی گرایش به زندگی مجردی و رویگردانی از امر ازدواج است. در حال حاضر با توجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حادث شده در جامعه، سطح انتظارات و توقعات جوانان از ازدواج تغییر یافته و همین امر منجر به رویگردانی آنها از ازدواج و گرایش به زندگی مجردی شده است. درباره اهمیت این پژوهش می‌توان گفت، که گرایش جوانان به مجردی به یک مسئله مهم در جامعه تبدیل شده که به نوبه خود غفلت از آن سبب انحرافات بسیار و بی‌بندوباری‌های اخلاقی در جامعه به خصوص در بین جوانان خواهد شد. ازدواج مناسب‌ترین راه برای تأمین نیازهای روانی، عاطفی و جنسی جوان است و همین امر موجب سلامت در دین و اخلاق جوانان خواهد شد.

این آمار در شهر خرم‌آباد، روزه‌روز در حال افزایش است و مسائل و مشکلات زیادی را برای خانواده‌ها و جامعه ایجاد نموده و به یک مسئله اجتماعی مبدل شده است. از این رو، این مقاله تلاشی برای بررسی و شناسایی زمینه‌ها و بسترهای تشکیل دهنده تمایل جوانان به زندگی مجردی در شهر خرم‌آباد است. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چه عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باعث گرایش به زندگی مجردی می‌شود؟ در شهر خرم‌آباد سهم کدام یک از عوامل از بقیه بیشتر می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

در جدول زیر خلاصه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص گرایش به مجرد و افزایش سن ازدواج ارائه شده است:

جدول ۱: پیشینه داخلی و خارجی

سال	پژوهشگر	عنوان	یافته‌ها
۱۳۹۸	باقری و همکاران برساخت	برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای	«تجربهٔ مجرد، تأخیری معنادار» به عنوان مقولهٔ نهایی انتخاب شد و در پایان مدل پارادایمی مستخرج از داده‌ها طرح شد
۱۳۹۸	زارعی سمگنان	علل تأخیر در ازدواج جوانان و راهکارهای مقابله با آن	به منظور کمک به کاهش سن ازدواج پس از بررسی عوامل تأخیر در ازدواج، راهبردهای عملی در جهت کاهش سن ازدواج مطرح شده است.
۱۳۹۷	انتظاری و همکاران	عوامل مؤثر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران	وجود رابطه معکوس بین پایگاه اجتماعی اقتصادی با سن ازدواج، بیانگر تغییر در سبک زندگی خانواده و نظام ارزش‌های اجتماعی است.
۱۳۹۵	جهانبخشی و همکاران	ریشه‌یابی و رتبه‌بندی علل افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان	بیکاری، نداشتن درآمد کافی، خوف از افزایش هزینه‌ها، تأکید بر داشتن مسکن و خودرو پیش از ازدواج، استقلال مالی، گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران، کاهش اعتماد به طرف مقابل، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی، تأکید بر داشتن شغل مناسب با مدرک دانشگاهی، مسئولیت‌پذیر نبودن افراد برای اداره زندگی، از مؤثرترین عوامل برای افزایش سن ازدواج دانشجویی هستند.
۱۳۹۳	طیبی نیا	میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن	اکثریت جوانان تمایل به ازدواج دارند.
۱۳۹۲	خلج آبادی فراهانی و همکاران	تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج	در ارتباط با معاشرت‌های دوستی در دختران، با تمایل بیشتر به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد، در حالی‌که در پسران معاشرت، با تمایل کمتر به ازدواج رابطه معنادار داشته است.
۱۳۹۲	سرای و اجاقلو	مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران	ازدواج در بین نسل‌های مختلف معنای متفاوتی دارد.
۱۳۹۱	مرادی و صفاریان	شناخت عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتباط با بالا رفتن سن ازدواج جوانان	میان مولفه‌هایی مثل دیدگاه اشخاص به تساوی جنسیتی، تحصیلات، میزان توقعات، و مقدار خشنودی از مجرد، ارتباط مشخصی می‌باشد
۱۳۹۰	ساروخانی و مقربیان	شناسایی گرایش به مجرد و نگرش به مراسم ازدواج و آثار آن در واسطه‌گزینش همسر و گرایش به مهریه	بین تجددگرایی و همسرگزینی، رابطه معناداری گزارش شده است.
۱۳۹۰	بحیرانی	نگرش خانواده نسبت به ازدواج و بی‌اعتمادی اجتماعی با افزایش سن ازدواج	رابطه معناداری میان متغیرهای ادامه تحصیل، اشتغال دختران و شرایط اقتصادی است.
۱۳۹۰	حبیب پور و غفاری	افزایش سن ازدواج دختران	دخترانی که دیر ازدواج می‌کنند از تحصیلات بالاتری برخوردارند و نگرش فرامادی به ازدواج دارند.
۱۳۹۰	رضادوست و مبینی	بررسی متغیرهای مرتبط با تأخیر سن ازدواج در زنان شاغل	بین تأخیر سن ازدواج زنان و متغیرهای مانند تحصیلات، میزان درآمد، میزان وابستگی اقتصادی رابطه معنادار وجود دارد.

سال	پژوهشگر	عنوان	یافته ها
۱۳۸۸	کاظمی پور	سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج های دانشجویی	ازدواج ها در بین دانشجویان به سمت غیر رسمی شدن پیش می‌رود.
۱۳۸۷	فرهمند بیگی	بررسی رفتارهای فرد گرایانه و جمع گرایانه به تفکیک جنس در تأخیر ازدواج	تأخیر در ازدواج با گرایش به رفتارهای فردگرایانه و جنسیت رابطه معنی داری دارد.
۱۳۸۷	حسین‌زاده	میزان درآمد خانواده با تأخیر در سن ازدواج جوانان	رابطه معنی داری میان وضعیت شغلی، میزان تحصیلات، وضعیت مسکن جوانان و میزان درآمد خانواده با تأخیر در سن ازدواج جوانان می‌باشد.
۱۳۸۶	مقدس جعفری و یعقوبی چوبری	پیوند سنت و نوسازی در افزایش	عامل نوسازی در افزایش سن ازدواج تأثیر فراوانی داشته است که این عامل خود را در قالب سطح تحصیلات به طور عمیق نشان داده است.
۱۳۸۵	شیرزاد	بررسی دیدگاه دانشجویان مجرد پیرامون عوامل مؤثر در ازدواج	بین سه مؤلفه موفقیت یا شکست یکی از اعضای خانواده در ازدواج، میزان پایبندی به اعتقادات مذهبی خانواده، جنسیت و نگرش به ازدواج، رابطه معناداری وجود دارد.
۱۳۸۸	محمودیان	سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان	ازدواج های جدیدتر در سنین بالاتری اتفاق افتاده اند. میزان تحصیلات به ویژه در مقاطع بالای تحصیلی با افزایش سن ازدواج همبستگی داشته است.
۱۳۸۷	اسکندری چرانی	بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان	بین متغیرهای ادامه تحصیل و بالا بودن انتظارات و سخت گیری در انتخاب همسر و نداشتن شغل مناسب و فقر خانواده و موقعیت اجتماعی خانواده و وضع ظاهری، با تأخیر سن ازدواج جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.
۲۰۱۰	سرویتی و وبر	رابطه بین جنس و نگرش به ازدواج	نگرش دختران به ازدواج مثبت تر از پسران به دست آمده است. همچنین، دختران اعتقاد بیشتری به این موضوع دارند که عشق اساس ازدواج است.
۲۰۰۷	همیلتون و سیون	طبقه، جنسیت و ازدواج، نقش عوامل اجتماعی در افزایش تقاضا برای ازدواج بین مردان و زنان	تقاضای ازدواج برای افراد بستگی به وضعیت اقتصادی اجتماعی افراد دارد. به این معنا که افرادی که در سطح وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتری قرار دارند، تقاضای ازدواج برای آنها بیشتر است.
۲۰۰۰	سوزان فرگوسن	عدم تمایل زنان به ازدواج	چگونگی زناشویی والدین، موقعیت این زنان به عنوان دختر بزرگ خانواده و یا تنها دختر، اهداف تحصیلی و فقدان خواستگار مناسب از جمله عواملی است که بر عدم تمایل زنان به ازدواج تأثیر گذاشته است.
۱۹۹۴	مک دونالد و همکاران	علل افزایش سن ازدواج	تحصیلات عالی زنان، اشتغال زنان، دشواری دسترسی به زوج مناسب
۱۹۹۲	لیشتر و همکاران	گرایش به سمت اهمیت ازدواج و خانواده و نقش های زنان در خانواده	زنان جوانی که به ارزش های سنتی کمتر معتقدند، بیشتر احتمال دارد که ازدواج را به خاطر تحصیلات بالاتر یا وارد شدن به بازار کار به تأخیر بیندازد.
۱۳۸۸	مک دونالد هیبول	بررسی علل افزایش سن ازدواج	میان میزان تحصیلات عالی زنان، اشتغال زنان و میزان آزادی در انتخاب همسر، با تأخیر در سن ازدواج رابطه معنی داری وجود دارد.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

اگر چه وجه اشتراک پژوهش‌های فوق‌الذکر، بررسی موضوع افزایش سن ازدواج جوانان در

جامعه می‌باشد، ولی با توجه به مطالعات مذکور، به وضوح می‌توان عدم بررسی خاص و ویژه دلائل گرایش به زندگی مجردی و رویگردانی از امر ازدواج را دید؛ در نتیجه، اهمیت این پژوهش در آن است که بطور ویژه به این موضوع مهم در میدان وسیع تحقیق می‌پردازد. بطور کلی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های داخلی و خارجی ذکر شده در مقاله حاضر، حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این تحقیق دارد.

مبانی نظری پژوهش

به دلیل خصلت چند وجهی بودن موضوع پژوهش و تکثر نظریه‌های متعدد، در این مقاله از میان نظرات مختلف، صرفاً برخی از نظریه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

رویکرد نوسازی، برای تحلیل مجموعه پیچیده‌ای از تحولاتی که در همه زمینه‌ها برای انتقال از جامعه سنتی به جامعه مدرن رخ می‌دهد، به کار برده می‌شود. نوسازی شامل تحولات در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روانی و اجتماعی است. پیروان این دیدگاه فکری، عناصری همچون خردورزی، تعقل‌گرایی، نظم داشتن، تقدیرگرا نبودن، محاسبه‌گر بودن و را بعنوان خمیر مایه‌های اولیه جریان نوسازی بر می‌شمارند.

به موجب این رویکرد، می‌توان ریشه اولیه و علت‌العلل تمامی ریشه‌های ثانوی تأثیرگذار بر رویگردانی از ازدواج و گرایش به زندگی مجردی را، گذار جامعه ایران از نظم سنتی به نظم مدرن دانست که باعث تغییر و تحولاتی در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان در بین تمامی گروه‌ها و اقشار جامعه، بویژه جوانان شده که این تغییرات به نوبه خود، موجب دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، انتظارات و مطالبات جوانان می‌شود. بنابراین موضوع تجربه مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی در بالا رفتن سن ازدواج جوانان اثرگذار می‌باشد. بنابر تئوری نوسازی ویلیام گود، رویگردانی از ازدواج و گرایش به زندگی مجردی، با درجات مدرنیزاسیون جامعه ارتباط دارد.

رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی، به فقدان سازگاری یا سازگاری ضعیف بین اجزای یک نظام اشاره دارد. تغییرات اجتماعی، معمولاً به عنوان علت اصلی و تغییرات تکنولوژیک، جمعیت‌شناختی و فرهنگی نیز به عنوان شرایط تسریع‌کننده بی‌سازمانی تلقی شده‌اند. بی‌سازمانی شخصیتی و عدم تعادل نظام اجتماعی از پیامدهای بی‌سازمانی اجتماعی محسوب

می‌شوند. راه حل بی‌سازمانی، برگردان اجزای نظام اجتماعی به حالت تعادل است. بر اساس این رویکرد ازدواج و تشکیل خانواده، زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند، اهداف معین و راههای وصول به آنها را مشخص نماید، تا جامعه درحالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم باید و در صورتیکه اهداف و وسایل با ساختار جامعه مغایرت و عدم هماهنگی داشته باشد، جامعه دچار مشکل خواهد شد.

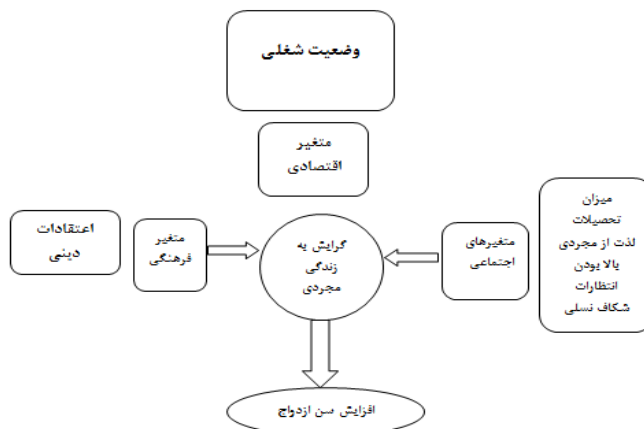
دیکسون، در نظریه خود بر سه مولفه دسترسی، امکان و تمایل تاکید کرده و معتقد است که این سه متغیر در ازدواج نکردن افراد موثر هستند. وی چنین می‌پندارد که متغیرهای مذکور، تاثیر ساختار اجتماعی بر مولفه‌های ازدواج را کاهش می‌دهند. براساس دیدگاه دیکسون، مولفه «دسترسبی» از طریق تساوی نسبت سنی-جنسی اشخاص در سن ازدواج و متدهای گزینش همسر مشخص می‌گردد. وی بیان می‌دارد، وقتی که نبود تساوی مناسب در نسبت سنی-جنسی جمعیت در سن ازدواج وجود دارد، بعضی از ازدواج‌ها با دیرکرد صورت می‌گیرند و زمانی که اشخاص برای گزینش همسر استقلال دارند، ازدواج‌ها نسبت به وقتی که همسران از طرف والدین گزینش می‌گردند، دیرتر صورت می‌گیرد. متغیر «تمایل»، مربوط به تعیین کننده‌های مشارکتی و اقتصادی می‌گردد که زوج‌های جوان سبب تشکیل خانواده، الزامی به حساب می‌آورند. همچنین در قسمتهای شهری به سبب تاکید بر وظایف شخصی، احتیاج به گسترش و به دست آوردن خصوصیات و به دست آوردن تجربه برای مدیریت یک خانواده جداگانه، قبل از ازدواج، ازدواج اشخاص نسبت به نواحی روستایی دیرتر اتفاق می‌افتاد. متغیر «امکان»، مربوط به تعیین کننده‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود که زوج‌های جوان جهت تشکیل خانواده ضروری می‌دانند. همچنین در نواحی شهری، به دلیل تاکید بر مسئولیت‌های فردی، نیاز به توسعه و کسب مهارت‌ها و به دست آوردن تجربه برای اداره یک خانواده مستقل، ازدواج افراد نسبت به نواحی روستایی به تاخیر می‌افتد.

براساس این دیدگاه که توسط نگوین (نظریه تحول سن ازدواج) در سال ۱۹۹۷ طرح شده، هنجارهای سنتی ازدواج، براساس تغییرات اجتماعی و آشفتگی‌های سیاسی رو به کاهش گذارده است. وی یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در افزایش سن ازدواج (به ویژه زنان) را توسعه سیستم آموزشی و تحصیلات و اشتغال می‌پندارد. تحصیلات سبب به وجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدید درباره ازدواج، به ویژه تمرکز بر ازدواج‌های که براساس عشق است،

می‌شود. عامل دیگر تحول سن ازدواج، مجموعه‌ای از اصلاحات قانونی مربوط به سن ازدواج است. در کشورهای مختلف، حداقل سن، برای ازدواج رسمی در نظر گرفته شده است که بالاتر از سن ازدواج در دوره‌های پیش است و لذا به صورت طبیعی میانگین سن ازدواج بالا خواهد رفت.

از منظر تئوری فردگرایی توکویل در عصر برابری، هر فرد احساساتش را به سمت خود می‌چرخاند که نمی‌توان به آن نام خودخواهی داد. زیرا خودخواهی از یک گزینه کورکورانه سرچشمه می‌گیرد. نام خاصی که به این حالت می‌توان داد، فردگرایی است. فردگرایی احساس اندیشیده و آرامی است که هر فرد در اختیار دارد و به وسیله آن خود را از توده هم‌نوعش جدا تصور می‌کند و با خانواده و دوستانش خود را به کناری می‌کشد، به نحوی که پس از به وجود آمدن یک جامعه کوچک برای خود، جامعه بزرگ را به حال خود وا می‌گذارد (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۰۷). بنابراین تئوری فردگرایی، این رابطه را بدست می‌دهد که هر چه قدر احساس فردگرایی در افراد بیشتر باشد، به همان اندازه افراد از ازدواج گریزان بوده و تاخیر در سن ازدواج جوانان به عنوان یک مساله اجتماعی، نمود پیدا می‌کند.

مدل پژوهش



(محقق ساخته؛ با اقتباس از ناکس و کارولین، ۲۰۰۵)

روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. همچنین این پژوهش را می‌توان از نظر ماهیت جزء تحقیقات پیمایشی به شمار آورد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جوانان مجرد شهرستان خرم‌آباد، در محدوده سنی ۳۵-۲۷ ساله در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ است. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر به صورت تصادفی بود. انتخاب حجم نمونه در این پژوهش از طریق فرمول کوکران به دست آمد. حجم نمونه این پژوهش ۳۸۰ نفر می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌شود. شاخص‌های آماری توصیفی مورد استفاده عبارتند از: جداول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد جهت عینی‌تر شدن نتایج به دست آمده. از طرفی به منظور اثبات یا رد فرضیه‌های پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. در کلیه تجزیه و تحلیل‌های آماری این پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی پژوهش

بر حسب متغیر سن، داده‌ها نشانگر این است که آزمودنی‌ها ۳۲٪ بین سن (۲۹-۲۷)؛ ۳۴٪ بین سن (۳۲-۲۹) و ۳۴٪ بین سن (۳۵-۳۲) بود. بر حسب متغیر تحصیلات، داده‌ها نشانگر این است که آزمودنی‌ها ۱۸٪ (۷۰ نفر) زیر دیپلم؛ ۲۵٪ (۹۵ نفر) دیپلم؛ ۲۶٪ (۱۰۰ نفر) مدرک فوق دیپلم؛ ۲۳٪ (۸۸ نفر) لیسانس و ۸٪ (۲۷ نفر) دارای مدرک ارشد و بالاتر بودند. بر حسب متغیر جنسیت، داده‌ها نشانگر این است که آزمودنی‌ها ۵۵٪ (۲۱۰ نفر) دارای جنسیت مذکر و ۴۵٪ (۱۷۰ نفر) دارای جنسیت مونث بودند. بر حسب متغیر شغل، داده‌ها نشانگر این است که آزمودنی‌ها ۱۳٪ (۵۰ نفر) دارای شغل کارمند؛ ۲۶٪ (۱۰۰ نفر) دارای شغل آزاد؛ ۱۴٪ (۵۵ نفر) مشغول به تحصیل (دانشجو)؛ ۱۰٪ (۴۰ نفر) دارای سایر شغل‌ها و ۳۷٪ (۱۳۵ نفر) دارای شغلی نمی‌باشند.

یافته های استنباطی پژوهش

آزمون فرضیه اول

جدول ۲- محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین میزان اعتقادات دینی و گرایش به زندگی مجردی جوانان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان اعتقادات دینی	۲۹/۱۶	۶/۳۴	۰/۴۳	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بین اعتقادات دینی و گرایش به زندگی مجردی جوانان با اهمیت به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۰/۴۳) می‌توان استدلال کرد که بین اعتقادات دینی و گرایش به زندگی مجردی جوانان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. مطابق با نتایج به دست آمده، می‌توان چنین عنوان کرد که اعتقادات دینی جوانان و بالا و پائین آمدن شدت آن در افزایش یا کاهش گرایش به زندگی مجردی آنها تاثیر دارد، لذا فرضیه مذکور تایید می‌گردد. بر این اساس، رابطه بین دو متغیر فوق در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین بین اعتقادات دینی و گرایش به زندگی مجردی جوانان در شهرستان خرم‌آباد ارتباط معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه دوم

جدول ۳- محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین سطح انتظارات و گرایش به زندگی مجردی جوانان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سطح انتظارات	۱۰/۳۹	۳/۶۱	۰/۴۱۴	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بین سطح انتظارات و گرایش به زندگی مجردی جوانان با اهمیت به میزان معنی‌داری حاصل شده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۰/۴۱۴) می‌توان استدلال کرد که بین سطح انتظارات و گرایش به زندگی مجردی جوانان رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش سطح انتظارات، گرایش به زندگی مجردی جوانان افزایش می‌یابد. بنابراین، بین سطح انتظارات و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد ارتباط معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه سوم

جدول ۴- محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین میزان لذت بردن از مجرد و گرایش به زندگی مجردی جوانان

متغییر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان لذت بردن از مجرد	۱۵/۱۱	۷/۰۲	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، بین لذت بردن از مجرد و گرایش به زندگی مجردی جوانان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۰/۳۸۸) می‌توان استدلال کرد که بین لذت بردن از مجرد و گرایش به زندگی مجردی جوانان رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش میزان لذت بردن از مجرد، گرایش به زندگی مجردی جوانان افزایش می‌یابد. بنابراین، بین لذت بردن از مجرد و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد ارتباط معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه چهارم

جدول ۵- محاسبه ضریب همبستگی پیرسون وضعیت تحصیلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان

متغییر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
وضعیت تحصیلی	۳۰/۱۵	۷/۳۰	۰/۸۸	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بین میزان وضعیت تحصیلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۰/۸۸) می‌توان استدلال کرد که بین وضعیت تحصیلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان، رابطه معناداری وجود دارد. مطابق با نتایج به دست آمده، می‌توان چنین عنوان کرد که میزان وضعیت تحصیلی جوانان و بالا و پائین آمدن شدت آن در افزایش یا کاهش گرایش به زندگی مجردی آنها تاثیر دارد، لذا فرضیه مذکور تایید می‌گردد. بر این اساس رابطه مذکور بین دو متغیر فوق در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین بین وضعیت تحصیلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان در شهرستان خرم‌آباد ارتباط معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه پنجم

جدول ۶- محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین وضعیت شغلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان

متغییر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
وضعیت شغلی	۲۹/۷۹	۶/۱۵	۰/۸۰	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بین وضعیت شغلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۰/۸۰) می‌توان استدلال کرد که بین وضعیت شغلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان رابطه معناداری وجود دارد. مطابق با نتایج به دست آمده، می‌توان چنین عنوان کرد که وضعیت شغلی جوانان، بالا و پائین آمدن شدت آن، در افزایش یا کاهش گرایش به زندگی مجردی آنها تاثیر دارد، لذا فرضیه مذکور تایید می‌گردد. بر این اساس، رابطه مذکور بین دو متغیر فوق در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین بین وضعیت شغلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان در شهرستان خرم‌آباد ارتباط معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه ششم

جدول ۷- محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین شکاف نسلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان

متغییر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شکاف نسلی	۳۰/۰۹	۷/۱۰	۰/۹۱	۰/۰۰۰

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بین شکاف نسلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی (۰/۹۱) می‌توان استدلال کرد که بین شکاف نسلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. مطابق با نتایج به دست آمده، می‌توان چنین عنوان کرد که شکاف نسلی جوانان، بالا و پائین آمدن شدت آن، در افزایش یا کاهش گرایش به زندگی مجردی آنها تاثیر دارد، لذا فرضیه مذکور تایید می‌گردد. بر این اساس، رابطه مذکور بین دو متغیر فوق در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین بین شکاف نسلی و گرایش به زندگی مجردی جوانان در شهرستان خرم‌آباد ارتباط معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده گسترده‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، به طوری که می‌توان گفت در تجربه زیسته و زندگی روزمره انسان‌ها، نقشی اساسی دارد. آنچه موضوع خانواده را مسئله‌مند می‌نماید، تغییراتی است که در حیطه تداوم ازدواج صورت گرفته است. با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، الگوی سنتی خانواده به تدریج دچار تغییر شده است، به نحوی که امروزه با چالش بسیار مهمی مانند گرایش به زندگی مجردی روبرو هستیم. در این پژوهش که به بررسی عوامل موثر بر گرایش به زندگی مجردی و رویگردانی از ازدواج در بین جوانان مجرد شهر خرم‌آباد صورت گرفت، ۶ فرضیه از طریق آزمون همبستگی مورد بررسی قرار گرفت.

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین میزان اعتقادات دینی و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان پرداختیم. با توجه به نتایج جدول شماره ۲، از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و همچنین میزان ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۴۳) بود، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق تایید می‌گردد، یعنی بین اعتقادات دینی و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج این قسمت با مطالعات (طیبنی‌نیا، ۱۳۹۳؛ سرایی و همکاران، ۱۳۹۲؛ حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰؛ ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰؛ محمودیان، ۱۳۸۳، همیلتون و همکاران، ۲۰۰۷؛ لیشر و همکاران، ۱۹۹۲؛ گرین‌گلاس، ۱۹۸۹) هم‌راستا بود و نشان دادند که میزان اعتقادات مذهبی با گرایش به زندگی مجردی، می‌توانند ارتباطی تنگاتنگ با هم داشته باشند. اطلاع رسانی و آگاه‌سازی به جوانان در خصوص ویژگی‌های ازدواج درست از دیدگاه معصومین (ع) به وسیله‌ی نهاد های تربیتی و دینی از ضروریات در پیشرفت امر ازدواج است. با اهمیت به جایگاه و تاثیر معانی و اعتقادات دینی و علاقه زیاد مردم به ائمه اطهار (ع)، بیان الگوهای خانواده سالم و ازدواج درست با بیان زندگی‌نامه آن بزرگواران جایگاه بخصوصی در بالا رفتن آگاهی جوانان و صورت دادن و پیشرفت نگرش‌های صحیح گردیده و گرایش به ازدواج صحیح را در بین جوانان تقویت می‌بخشد.

در فرضیه دوم، به بررسی رابطه میان میزان سطح انتظارات و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان پرداختیم. با توجه به نتایج جدول ۳، از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده

(۰/۰۰۰) و همچنین میزان ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۴۱۴) بود، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه محقق تایید می‌گردد، یعنی بین سطح انتظارات و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج این قسمت با مطالعات (سرای و همکاران، ۱۳۹۲؛ ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضادوست و همکاران، ۱۳۹۰؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۸؛ حسین‌زاده، ۱۳۸۷؛ لیزاسرویتی و همکاران، ۲۰۱۰؛ لیستر و همکاران، ۱۹۹۲) هم‌راستا بود. به شکلی که نشان دادند با توجه به شرایط کنونی جامعه، سطح توقعات و انتظارات جوانان، نقش تاثیرگذاری بر روی گرایش به زندگی مجردی آنها دارد.

در تبیین این قسمت می‌توان گفت که امروزه افزایش سطح انتظارات، نبود فضای مناسب برای انتخاب و معرفی افراد به یکدیگر از عوامل اصلی افزایش سن ازدواج جوانان در جامعه است، که دولت باید نگاه خود را به آنها معطوف کند و با ارائه طرح‌های مناسب در جهت کاهش سطح انتظارات جوانان جامعه و تجدیدنظر در شیوه‌های تربیتی و سبک زندگی در کنار فراهم آوردن شرایط اقتصادی، زمینه را برای ازدواج به‌موقع جوانان فراهم نماید. طبق دیدگاه دلبستگی که به وسیله جان بالبی، بیان گردید، تجارب نخستینی که شخص در ارتباط با پدر و مادر خویش به دست می‌آورد، سبب به وجود آمدن مولفه‌های فعال درونی می‌گردد که خود بر نظریه‌ها و توقعات از ارتباط بعدی، تاثیر دارد. از طرفی طبق دیدگاه تدریس مشارکتی آلبرت باندورا، مشاهده یا تجربه رفتار، سبب آموزش می‌گردد. براین اساس شخص با مشاهده ارتباط و اختلافات میان پدر و مادر، راجع به ارتباط دوستانه یادگرفته و توقعات ازدواج در او شکل می‌گیرد. بالا رفتن سطح انتظارات در جوانان باعث به تعویق افتادن ازدواج و بالا رفتن سن جوانان می‌شود. ازدواج‌های دانشجویی و ترغیب جوانان به ازدواج در دوران تحصیل با تأکید بر تعدیل خواسته‌ها و توقعات فرد و خانواده از زندگی مشترک و اتخاذ تدابیر خاص، می‌تواند به حل عمده این مشکل بینجامد.

فرضیه سوم، به بررسی رابطه بین میزان لذت بردن از مجرد و گرایش به زندگی مجردی پرداخته است. با توجه به نتایج جدول ۴، از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و همچنین میزان ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۳۸۸) بود، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه محقق، تایید می‌گردد. یعنی بین میزان لذت بردن از مجرد و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج این

قسمت با مطالعات (خلج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ضرابی و همکاران، ۱۳۹۰؛ حسین‌زاده، ۱۳۸۷؛ کنعانی، ۱۳۸۵؛ اسکندری، ۱۳۷۸؛ گرین‌گلاس، ۱۹۸۹؛ لیشر و همکاران، ۱۹۹۲) هم‌راستا بود. به شکلی که مشخص است، در حال حاضر با وجود شرایطی از جمله رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و... که سبب می‌گردد، جوانان از زندگی مجردی لذت ببرند، همین امر موجب بالا رفتن میزان گرایش به زندگی مجردی در جوانان گشته است.

در تبیین این قسمت می‌توان گفت، که فرهنگ مصرف‌گرایی و میزان لذت بردن از مجرد، نیز به طرز چشم‌گیری در بین جوانان افزایش یافته و باعث بالا رفتن سن ازدواج و مجرد شده است. تضعیف روابط خانوادگی در کنار سریال‌های دنباله‌دار ماهواره‌ای نیز این روش از زندگی را به جامعه در حال گذار ما تزریق می‌کند. آن چه باعث می‌شود، جوانان به زندگی مجردی روی بیاورند، نداشتن آرامش است. جوان امروزی به آرامش خیال و احترام در خانواده نیاز دارد. هم‌چنین اختلاف فرهنگی میان خانواده‌ها و میان فرزندان، پدران و مادران عامل مهم دیگری است که زندگی مجردی را در کل دنیا و به ویژه در داخل ایران افزایش داده است. درآمد پایین و نداشتن استقلال کافی و به ویژه عدم تأمین اجتماعی، عامل دیگری در افزایش زندگی مجردی است. برخی از جوانان دوست ندارند که در مقابل برخی رفتارهای شان، والدین، آنها را مورد مؤاخذه قرار دهند. بنابراین، وقتی که جوان گمان می‌کند، آزادی او مورد تهدید واقع شده، از کانون گرم خانواده جدا می‌شود و به زندگی انفرادی روی می‌آورد. اندیشمندان قائل به رویکرد ایده‌ای، معتقدند عوامل ارزشی و فرهنگی همچون سکولاریزم، اندیشه‌های دموکراتی و برابری گرایانه، گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی، سبب تحولات اخیر در خانواده شده‌اند. مدرنیته به عنوان یک نظام، مجموعه‌ای از ارزش‌های فردگرایانه و سبک زندگی‌های متنوع و متفاوت را پیش روی افراد قرار داده است. در اندیشه مدرن، میزان لذت بردن از مجرد در جوانان، بعنوان یک اصل بر تمام تصمیمات انسانی غالب می‌شود. ازدواج نیز بعنوان یک قرارداد دو طرفه بر مبنای نفع و لذت و ترجیحات فردی تلقی می‌شود. بالتبع آن عدم تمایل به فرزندآوری، سقط جنین، ازدواج سفید، تولد فرزندان نامشروع و اولویت یافتن ملاکهای مادی در امر ازدواج، اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب با رهایی از سنت‌ها و مسئولیتهای مربوط به ازدواج سنتی، دسترسی بیشتر به منابع آموزشی و مالی و کم‌رنگ شدن مرزهای جنسیتی، تمایل افراد برای ازدواج و تشکیل خانواده کاهش پیدا می‌کند.

فرضیه چهارم، به بررسی رابطه بین وضعیت تحصیلی و گرایش به زندگی مجردی می‌پردازد. با توجه به نتایج جدول ۵، از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و همچنین میزان ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۸۸۸) بود، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه محقق تایید می‌گردد، یعنی بین وضعیت تحصیلی و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج این قسمت با مطالعات (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸؛ فرهمندیگی، ۱۳۸۷؛ یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۶؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ شهری، ۱۳۸۶؛ سیون و همکاران، ۲۰۰۷؛ مک‌دونالد و همکاران، ۱۹۹۴؛ گرین‌گلاس، ۱۹۸۹) هم‌راستا بود. به شکلی که مشخص شد، میزان تحصیلات به ویژه در مقاطع بالای تحصیلی با گرایش به افزایش سن ازدواج در بین جوانان، بسیار پراهمیت و در ارتباط می‌باشد.

در تبیین این قسمت، می‌توان گفت در گذشته وقایع مهم افراد شامل تحصیل در مدرسه و سپس آمادگی برای ازدواج بود. خصوصاً پسران برای گذراندن دوران سربازی و پیدا کردن شغل در مسیر ازدواج قدم می‌گذاشتند، اما به تدریج با حضور مصادیق و نیمه مدرن در زندگی جوانان، آنان ترجیح می‌دهند، ابتدا تحصیلات عالی خود را بگذرانند و حتی بعد از یافتن شغل و سطح مالی باثبات، به دنبال تشکیل خانواده بروند. مهاجرت‌های تحصیلی عامل دیگری برای تمایل جوانان به زندگی مجردی است. بیشتر جوانانی که شهر محل زندگی خود را برای تحصیل ترک می‌کنند، به شهر خود باز نمی‌گردند و به زندگی مجردی ادامه می‌دهند.

فرضیه پنجم، میزان وضعیت شغلی و گرایش به زندگی مجردی را بررسی می‌نماید. با توجه به نتایج جدول ۶، از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و همچنین میزان ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۸۰) بود، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه محقق تایید می‌گردد، یعنی بین وضعیت شغلی و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد، رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج این قسمت با مطالعات (اسکندری، ۱۳۷۸؛ شهری، ۱۳۸۶؛ یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۶؛ فرهمندیگی، ۱۳۸۷؛ ضرابی و همکاران، ۱۳۹۰؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ سوزان، ۲۰۰۰؛ لیشتر و همکاران، ۱۹۹۲؛ همیلتون و همکاران، ۲۰۰۷) هم‌راستا بود. آنها نشان دادند که مولفه وضعیت شغلی جوانان ارتباط مستقیم و معنی‌داری بر روی اینکه جوانان به ازدواج دیررس رو می‌آورند، بسیار نقش دارد. در تبیین

این قسمت، می‌توان گفت، که زندگی مجردی مختص زمان ما نیست و در طول تاریخ برای زنان و مردان به نسبت خود وجود داشته است؛ اما آنچه آمار و ارقام نشان می‌دهد این است که زندگی مجردی در دوران صنعتی و پس از آن افزایش بیشتری پیدا کرده است که بخشی از این افزایش به ساختارهای کل جامعه باز می‌گردد؛ که یکی از این موارد، منزلت‌های شغلی و درآمدی برای افراد در دوران مدرن است. در جامعه ما با توجه به اینکه انتخاب همسر و اداره امور زندگی زن‌شویی به لحاظ مادی بر عهده مردان گذاشته شده است، بنابراین در چنین شرایطی، چنانچه امکانات مناسب شغلی و درآمدی برای مردان در سن شغل و ازدواج ایجاد نشده باشد، طبیعی است که ۲ وضعیت پیش می‌آید. (۱) بالا رفتن سن ازدواج برای این مردان و (۲) چنانچه امکان شغل و درآمد فراهم نشده باشد، ممکن است به زندگی مجردی قطعی آنها منتهی شود. بخشی از زنان و مردان مجرد در جامعه ایرانی، زندگی مجردانه تحمیل شده انتخاب کرده‌اند. در واقع این گروه از دختران و پسران از خانواده‌هایی هستند که به دلیل از کار افتادگی، فوت والدین و... علی‌رغم داشتن شغل و امکانات به دلیل سرپرستی از والدین و خواهران و برادرانشان، خود از تشکیل زندگی زن‌شویی بازمانده‌اند. طبیعی است که برای زنان در سن ۳۵ و مردان در سن ۴۰ سالگی به بالا امکان ازدواج کمتر فراهم خواهد بود؛ اما به میزان کمتری از این افراد، ما با مجردهایی اعم از زن و مرد مواجه هستیم که امکانات مالی مناسب دارند و از امکانات شغلی هم برخوردار هستند، اما از ازدواج سرباز زده‌اند. دلیل سرباز زدگی این گونه مجردها از ازدواج ۱- اهمیت دادن بیشتر آنها به شغل و منصب شغلی و منزلت شغلی شان است و گمان کرده و می‌کنند که ازدواج و تشکیل خانواده مانع پیشرفت اجتماعی آنها خواهد شد. گروه دیگر کسانی هستند که زندگی مجردانه را برای آن انتخاب کرده‌اند که در وضعیت مجرد می‌توانند، روابط متعددی در ارتباط با زنان و مردان دیگر و دوستانشان داشته باشند.

یکی از وظایف ذاتی دولت‌ها، تامین زندگی بدون دغدغه شهروندان آن کشور است. به میزانی که قانون‌گذاران و مجریان قانون در یک جامعه ساز و کارهایی فراهم کرده باشند که افراد در سن اشتغال اعم از زن و مرد توانسته باشند، دسترسی به شغل و درآمد پیدا کرده باشند، به همان میزان می‌توان امیدوار بود که جوانان نسبت به تشکیل خانواده، رویکرد مثبتی داشته باشند.

فرضیه ششم، به بررسی رابطه بین میزان شکاف نسلی و گرایش به زندگی مجردی می‌پردازد. با توجه به نتایج جدول ۷، از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و همچنین میزان ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۹۱) بود، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه محقق تایید می‌گردد، یعنی بین شکاف نسلی و گرایش به زندگی مجردی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد، رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج این قسمت با مطالعات (طیبه‌نیا، ۱۳۹۳؛ صفاریان، ۱۳۹۱؛ مقربیان، ۱۳۹۰؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۹۰؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۸؛ بیگی، ۱۳۸۷؛ مقدس جعفری، ۱۳۸۶؛ اسکندری، ۱۳۷۸؛ گرین‌گلاس، ۱۹۸۹؛ هیوول، ۱۳۸۸؛ لیشتر و همکاران، ۱۹۹۲) هم‌راستا بود. به شکلی که بیان نمودند، فاصله بین نسل‌ها و شکافی که میان آن یعنی جوانان با نسل سنتی به وجود آمده، سبب گشته تا طرز افکار جوانان بسیار متفاوت باشد و به همین دلیل موجب بالا رفتن سن ازدواج در آنها گردد. در تبیین این قسمت، می‌توان گفت، که دوری از نظرات والدین و سخت‌گیری آنان، شکاف بین نسلی، دست‌یابی جوانان به سطحی از درآمد و تحصیلات که زندگی مجردی را برایشان امکان‌پذیر می‌کند و فرار از اصرار خویشاوندان برای ازدواج، از دلایل تمایل آنان به تنها زیستی است. این روزها شکاف نسلی بین والدین و جوانان و دیدگاه متفاوت این دو نسل (گذشته و حال) باعث شده است، قشر جوان خلق و خوی مجردی خود را از دوران نوجوانی حفظ کرده و بیشتر به زندگی مجردی سوق پیدا کنند. متأسفانه و یا خوشبختانه پیشرفت تکنولوژی (علم روز) ضمن عملکرد موفق در حوزه علم و دانش، خواسته‌ها، دیدگاه‌ها، رفتارها، نوع زندگی، اخلاق‌ها، رفت و آمدها، طرز تفکر و همه اعمال روز مره یک خانواده که متشکل از دو دوره گذشته (پدر و مادر) و حال (فرزندان) است، را با مشکل مواجه کرده است؛ بطوری که هیچ یک از اعمال روزمره بین والدین و فرزندانش در یک مسیر حرکت نمی‌کند و در نتیجه شکاف نسلی نیز ایجاد می‌شود و همین مساله سبب می‌شود که جوانان به زندگی مجردی رو بیاورند.

وقتی شکاف نسلی بین تفکرات و دیدگاه‌های والدین و جوانان ایجاد می‌شود. این شکاف باعث می‌شود، دیدگاه‌ها و نیازهایی که یک جوان دارد و به خاطر آنها می‌خواهد زندگی تشکیل دهد، با نیازهایی که پدر و مادر احساس می‌کنند، متفاوت باشد. بنابراین در اینجا تعارضی ایجاد می‌شود که موجب حرکت نکردن جوانان به سمت تشکیل خانواده می‌شود

و یکی از دلایلی است که انتخاب سبک زندگی مجردی را به دنبال دارد. نتیجه‌گیری کلی تحقیق حاضر، این است که با نگاهی انتقادی به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، مشخص خواهد شد که نابسامانی‌های داخلی و خارجی حادث شده در جامعه و عدم توجه به نیازها و مطالبات نسل جوان و در کنار آن افزایش مسائل و مشکلات اقتصادی و مؤلفه‌های مهمی همچون بیکاری، مصرف‌گرایی، افزایش سطح انتظارات و..... آثار منفی بر جوانان گذاشته است و از این رو آنها گرایش به زندگی مجردی را انتخاب نموده‌اند.

محدودیت پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر در مقطع زمانی صورت گرفت که سراسر دنیا درگیر مقابله با بیماری کرونا بودند، به همین سبب، دستیابی به آزمودنی‌های این پژوهش (جوانان) بسیار مشکل بود.

منابع:

- آقاسی، محمد؛ فلاح‌مین باشی، فاطمه (۱۳۹۴)، نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده، پژوهشنامه زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۱-۱.
- باقری، شهلا؛ مداحی، جواد؛ لطفی خاچکی، طاهره (۱۳۹۸)، برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی دانشجویان دختر شهر مشهد)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۴۳-۶۹.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۹)، رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج با رویکرد سیاست‌های کلی جمعیت، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره زمستان -ترباندیس، هری (۱۳۷۸)، فرهنگ و رفتار اجتماعی. ترجمه نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، نظریه جامعه‌شناسی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت
- قرائی‌مقدم، شهلا (۱۳۹۳)، تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن. پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳.
- هیول، مک دونالد (۱۳۸۸)، بررسی علل افزایش سن ازدواج، ویژه‌نامه علمی استناداری مازندران.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶)، بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان. فصلنامه پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۳، بهار ۸۶، صص ۳۸۶-۳۷۵
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳)، سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نامه علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۸۳، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۲۷-۵۴
- مرادی، گل مراد؛ صفاریان، محسن (۱۳۹۱)، عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). نشریه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱۰۸-۸۱
- مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بالا رفتن سن ازدواج جوانان در رشت، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی واحد شوشتر، شماره چهارم و پنجم، صص ۲۰۱.
- مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- نیلفروشان، پریسا؛ عابدی، احمد؛ نویدیان، علی؛ احمدی، احمد (۱۳۹۰)، بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انتظار ازدواج. مجله علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۱، بهار ۹۰، صص ۱۱-۱۹.

- Ferguson, S. (2000). Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese and Japanese American Women. *Gender and Society*. V. 14, No. 1.

- Hamilton, G. and Siow, A. (2007), Class, Gender and Marriage, *Review of Economic Dynamics*, Vol. 10, No. 4, pp. 549 - 575

- Servaty, Lisa and Kirsten Weber (2010) «The Relationship between Gender and Attitudes towards Marriage», *Journal of Student Research*: 1- 17